



Evaluation and Ranking of Barriers to Industry Development and Providing Development Strategies in Sistan and Baluchestan

Alireza Shahraki[✉]

1- Assistant Professor, Faculty of Engineering, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Abstract:

This research tries to identify the barriers to industry development in Sistan and Baluchestan and rank them and then provide industry development strategies in Sistan and Baluchestan. The statistical population of the present research consists of all the planners and managers of industrial organizations, Ministry of Industry and Mines Department Office of Strategic Planning and Sanat O Madan Bank in Sistan and Baluchestan. Among them using simple sampling (197 people) 38 of the planners and 158 of expert managers from the mentioned organization, were selected as expert and knowledgeable in this field as sample. In order to analyze the collected data Chi-square and Friedman tests and SPSS was used. In this regard, the barriers are put into the four groups of financial and currency credit, technology, specialist human resources and the supply of raw materials. The barriers such as lack of support from strong financial centers including banks for manufacturer, problems related to entering advanced machines and technology, capital flight from the province, assigning facilities to non-specialist people, specialized labor flight from the province, and lack of incentives for investing in the province are among the most important barriers to industrial development; and strategies are provided to remove them.

Keywords: *Industry Development, Industry Development Strategies, Barriers to Industry Development.*

[✉]Corresponding author: shahrakiar@hamoon.usb.ac.ir

نشریه علمی - پژوهشی بهبود مدیریت
سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۲، زمستان ۱۳۹۲
صفحات: ۸۲ - ۶۷

بررسی و رتبه بندی موانع توسعه صنعت و ارائه راهکارهای توسعه آن در استان سیستان و بلوچستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶)

علیرضا شهرکی^۱

چکیده

در این تحقیق سعی کرده‌ایم موانع توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان را شناسایی و به رتبه‌بندی موانع پرداخته و سپس راهکارهای توسعه صنعت در استان سیستان و بلوچستان را بیان نماییم. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه برنامه ریزان و مدیران واحدهای صنعتی و سازمان‌های وزارت صنایع و معادن، اداره معاونت برنامه ریزی راهبردی و بانک صنعت و معدن استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. از این میان از روش نمونه‌گیری ساده (۱۹۶ نفر) ۳۸ نفر از برنامه ریزان و ۱۵۸ نفر از مدیران خبره سازمان‌های نامبرده به عنوان کارشناس و مطلع در این زمینه به عنوان نمونه آماری انتخاب کردیم. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون‌های آماری کای دو و فریدمن و از نرم افزار SPSS استفاده نموده‌ایم. در این راستا موانع را در چهار دسته، اعتبارات مالی و ارزی، فنآوری، نیروی انسانی متخصص و تامین مواد اولیه تقسیم‌بندی کرده‌ایم موانع همراهی نکردن مراکز قوی مالی از جمله بانکها در حمایت از تولید کننده، مشکلات مربوط به ورود ماشین آلات و فنآوری پیشرفته، فرار سرمایه از استان، واگذاری تسهیلات به افراد غیر متخصص، فرار نیروی کار متخصص از استان و کمبود امتیازات و مشوقهای سرمایه گذاری در استان از مهمترین موانع توسعه صنعتی می‌باشند و راهکارهایی برای رفع این موانع داده شده است.

واژگان کلیدی :

توسعه صنعت، راهکارهای توسعه صنعت، موانع توسعه صنعت.

^۱- دکتری مهندسی صنایع و عضو هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسؤول):

۱- مقدمه

صنعت و صنعتی شدن پدیده‌ای است که بیش از سه قرن از عمر آن نمی‌گذرد ولی تأثیرات شگرفی بر انسان و محیط زندگی او گذاشته است. بخش صنعت یکی از مهمترین بخشها در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، صنعت برای خود و دیگر بخشها و زیر بخشهای اقتصادی از قبیل کشاورزی، آموزش، بهداشت و درمان، حمل و نقل، انرژی، مخابرات، راه و ساختمان و حتی فرهنگ و اطلاعات رسانی، راه را هموار می‌سازد، تا حدی که بدون یاری صنعت، فعالیت بخش‌های مزبور در دنیای کنونی دشوار و تقریباً غیرممکن است. آنچه بیش از سایر راهبردها و برنامه‌های توسعه اقتصادی در جهان، توجه ملل و کشورهای مختلف را به خود جلب کرده، موضوع توسعه اقتصادی از طریق اتخاذ راهبردهای توسعه صنعتی، مبتنی بر روش‌های تبیین شده آن می‌باشد. شومپیتر از نظریه پردازان اقتصادی در اواسط قرن بیستم بر این باور بود که امکان افزایش تولید و به صورت برنامه ریزی شده و نیز بهره برداری‌های جدید از همان منابع موجود در جریان صنعتی شدن به دست می‌آید، مهم ترین عامل توضیح دهنده پیشرفت اقتصادی نوین است. به این جهت صنعتی شدن و توسعه آن بر دو پارامتر عمده، افزایش تولیدات در کمیت و کیفیت که ارزش افزوده بیشتر و در نتیجه تولید ملی بالاتر را نصیب کشور می‌کند و همچنین باعث بهبود توزیع درآمدهای جامعه خواهد شد. لذا توسعه صنعت، لازمه پایه ریزی نظام اقتصادی - اجتماعی عادلانه نیز می‌باشد. افزایش سهم صنعت و تولید محصولات کارخانه‌ای، افزایش سهم اشتغال در بخش صنعت، صنعتی شدن بخش کشاورزی، افزایش سهم بخش خدمات و سهم اشتغال در این بخش و در نهایت افزایش چشمگیر ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی در کنار بسیاری از تحولات و تغییرات قابل توجه در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همگی در زمره شاخص ترین دستاوردهای راهبردهای توسعه صنعتی تلقی می‌شود [۲]. بدون تردید هر جامعه و کشوری که بخواهد در این عصر پرتلاطم و با رقاباتی که در تمام صحنه‌های تولیدی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی حضوری جدی و قدرتمند دارند، ضمن حفظ وضع خود و ادامه حیات، به سطوح بالاتری از رشد و توسعه دست یابد، ضرورتاً باید به موضوع صنعت و توسعه فناورانه و مدیریت آنها نگاهی علمی و راهبردی داشته باشد و به کارگیری آنها را در تحقق چشم اندازها و برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت خود مورد توجه قرار دهد. توسعه فناورانه نیز نیروی محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی در دوران معاصر است. رشد و توسعه هر کدام از صنایع و مؤسسات صنعتی در بلندمدت نمی‌تواند بدون نوآوری فناورانه تحقق یابد. نوآوری و فناوری به شدت بر جنبه‌های فنی کسب و کار تأثیر می‌گذارد [۱۴]. به طور کلی رونق اقتصادی کشورها، صنایع و شرکت‌ها به اعمال مدیریت مؤثر فناوری و نوآوری فناورانه وابسته است و از جمله عواملی که موجب بهبود قدرت رقابتی فناورانه می‌شود، برنامه ریزی بلندمدت، انجام تحقیقات و ایجاد خلاقیت و نوآوری در بنگا هها می‌باشد [۸].

هدف از انجام این تحقیق شناسایی و رتبه بندی موانع توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان و ارائه راهکارهای توسعه صنعت در استان می‌باشد. برای سنجش و آزمون فرضیات و رتبه بندی موانع از آزمون‌های آماری کای دو و فریدمن و از نرم افزار SPSS استفاده شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲- ادبیات پژوهشی

علیرغم گذشت بیش از نیم قرن از عمر صنعت در ایران و فراهم آمدن بخش اعظم نیازهای داخلی توسط صنعت و همچنین شناسایی آن به عنوان پردرآمدترین (فولاد و معادن) و پرمخاطبترین (صنعت خودرو) این بخش، هیچگاه مورد بررسی دقیق با رویکردی انتقادی و آسیب شناسی قرار نگرفته است. توسعه صنعتی در ایران به خاطر بزرگ بودن دولت و ملی شدن صنایع بعد از انقلاب یا از جانب دولت مورد توصیف اغراق آمیز واقع شده یا توسط مخالفان دولت مورد قهر و بی مهری قرار گرفته است؛ فرآیندی که پیامد آشکار آن صاحب صنعت بودن و نه صنعتی بودن در طی نیم قرن اخیر بوده است. مطالعات در این حوزه به طور عمد ه غیر دانشگاهی و بیشتر توسط خود موسسات صاحب صنعت و یا توسط رسانه‌های عمومی انجام گرفته است و به صورت آشکار بر ابعاد اقتصادی - تجاری و فنی - فناورانه متمرکز بوده است. همچنین مطالعه تئوریک در حوزه رویکرد نهادی اغلب به زبانهای خارجی بوده که در بخش اول به طور کامل به آن اشاره شده است. در زبان فارسی نیز اکثر پژوهشها به مطالعه نهادی قانون اساسی، قوانین برنامه، سند چشم انداز و یا اصول کلی قوانین مصوب توسط نهادهای حکومتی پرداخته و مطالعه نهادمند، علمی و مستقل مورد غفلت واقع شده است. در سال ۱۳۸۳ پژوهشی غنی از پیترو اوانز با نام توسعه یا چپاول؛ نقش نهاد دولت در تحول صنعتی انجام شده است [۳].

لی چنگزی در سال ۲۰۱۳ میلادی تحقیقی پیرامون بررسی صنعت و سیاست‌های مربوطه به آن را در کشور چین انجام داده است. در این پژوهش به بررسی سیاست‌های ساختاری در راستای توسعه صنعت در زمان‌های مختلف و در دولت‌های مختلف پرداخته است و نتیجه گرفته شده است که چین در مقاطع مختلف و در زمان طولانی با پرداخت هرچه بیشتر برای بهبود صنعت خود گام برداشته است. چین توجه زیادی به میزان توسعه یافتگی اروپا و بهره گیری و الگوبرداری از صنعت اروپا و آمریکا اقدام کرده است [۱۰].

اروپا و بهره گیری و الگوبرداری از صنعت اروپا و آمریکا اقدام کرده است [۱۰].
پژوهشی با عنوان ترویج توسعه صنعتی از طریق سیاست فناوری در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است. در این پژوهش، نقش سیاست‌های فناوری ژاپن و چین را در کمک به توسعه صنعتی این کشورها تجزیه و تحلیل کرده‌اند. با استفاده از روش‌های عددی، دریافته‌اند که توانمندی فناورانه، در دوران اوج رشد هر دو کشور، به توسعه صنعتی آن‌ها کمک کرده است. علاوه بر این، دولت‌های هر دو کشور به صورت برنامه‌ریزی شده با ابزارهایی مثل سیاست‌های فناوری، ایجاد توازن میان واردات فناوری خارجی و توسعه درونزا، و مشارکت دادن بخش کسب و کار و بخش خصوصی، به عنوان نیروی موثر در بهبود توانمندی فناورانه، به ترویج توانمندی فناورانه داخلی پرداخته‌اند. بر مبنای این مطالعه، توصیه‌های سیاستی زیر را به دولت‌های کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد: (۱) آگاهی از نقش مهم و مناسب دولت و ابزارهای سیاستی موجود، (۲) اتخاذ تصمیمات و گزینه‌های بومی شده، متناسب با واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی هر کشور، (۳) استفاده از واردات فناوری خارجی، توسعه درونزا، و توسعه سازوکارهای بازار برای تشویق مشارکت بخش خصوصی.

در سال ۱۳۹۰ پژوهشی با عنوان دولت نهادی و توسعه صنعتی در ایران انجام شد که استفاده از رویکرد نهادی، نقش دولت در توسعه صنعتی ایران را بررسی کرده است. در این مقاله به جای تأکید سنتی بر الگو خطی و موضوع دخالت یا عدم دخالت دولت در اقتصاد، بر ماهیت دولت، نوع مداخله دولت و کارآمدی تأکید

می شود. دولت توسعه گرا با ماهیتی مجزا، تاریخی و نهادی در قالب نقش قابله " توسعه گرا " آن در چارچوب مفهوم دولت گری، پرورشگری و توسعه‌ای به ایفای نقشی متفاوت از دولت‌های غیر توسعه گرا می پردازد که زمینه‌های تحول و توسعه صنعتی را فراهم می آورد؛ امری که در کشور ایران بویژه در حوزه صنعت مورد بی توجهی قرار گرفته است. دولت توسعه گرا مطابق رویکرد به عنوان ساختار و زیربنای توسعه، از سایر دولت‌ها متمایز می شود. استقلال دیوانی « استقلال متکی به جامعه » نهادی و با ویژگی و اتکای به جامعه همواره در طول تاریخ ایران در حاله‌ای از ابهام بوده است و دولت با چنین مشخصه‌ای در چارچوب دولت‌های غیر توسعه گرا و با نقش متصدی و متولی صنعت شناخته شده است [۶].

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی جهت پیشرفته شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگتر شدن است. ادبیات توسعه در جهان بعد از جنگ جهانی دوم مطرح و مورد تکامل قرار گرفت و هدف آن کشف چگونگی بهبود شرایط کشورهای عقب مانده (یا جهان سوم) است تا شرایط مناسب همچون کشورهای پیشرفته و توسعه یافته داشته باشند. به طور کلی توسعه شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ساختارها و دیدگاه‌های باشد.

تاریخ صنعتی جهان، اگرچه از نخستین بارقه‌های انقلاب صنعتی در اروپا تا ورود به مرحله فراصنعتی و عصر اطلاعات در دوران کنونی، شاهد روندهای مختلف و متنوعی در مسیر پیشرفت خود بوده، اما تجارب موفقیت آمیز اخیر آسیایی‌ها در صنعتی شدن همواره این تلقی فوری را به همراه داشته است که همواره در جستجوی راهکارهای مناسب برای توسعه صنعت خود باشیم. از این رو در این پژوهش به بررسی موانع صنعت و ارائه راهکار برای توسعه صنعت در استان سیستان و بلوچستان می‌پردازیم. استان سیستان و بلوچستان یکی از کم تراکم ترین استانهای کشور است. این استان ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع مساحت دارد که ۱۵۱۹۷ کیلومتر مربع مربوط به سیستان و ۱۷۲۳۰۵ کیلومتر مربع مربوط به بلوچستان می‌باشد. این استان در جنوب شرقی ایران واقع گشته و از شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان و پاکستان محدود می‌باشد.

۳- روش شناسی تحقیق

تحقیق اخیر با رویکرد پژوهشی، در استان سیستان و بلوچستان در محدوده زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۰ صورت گرفته است. جهت انجام تحقیق ابتدا با توجه به روش کتابخانه‌ای از کتابها و مقالات متعدد فارسی و بررسی اسناد و مدارک و در روش میدانی، از ابزارهای مصاحبه، پرسشنامه استفاده کرده‌ایم. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه برنامه ریزان و مدیران واحدهای صنعتی و سازمان‌های وزارت صنایع و معادن، اداره معاونت برنامه ریزی راهبردی و بانک صنعت و معدن استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. از این میان از روش نمونه گیری ساده (۱۹۶ نفر) ۳۸ نفر از برنامه ریزان و ۱۵۸ نفر از مدیران خبره سازمان‌های نامبرده به عنوان کارشناس و مطلع در این زمینه به عنوان نمونه آماری انتخاب کردیم و در پایان به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری کای دو و فریدمن می‌پردازیم. هدف اصلی این قبیل تجزیه و تحلیل‌ها کمک به نتیجه گیری درخصوص فرضیه‌های تحقیق می‌باشد در پرسشنامه ی تهیه شده ۴ فرض (۱- بین اعتبارات مالی و ارزی و توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان رابطه وجود دارد. ۲- بین نیروی انسانی متخصص و توسعه صنعت در استان سیستان و بلوچستان رابطه وجود دارد. ۳- بین مواد اولیه مورد نیاز و توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان رابطه وجود دارد. ۴- بین فناوری لازم و توسعه صنعت در استان سیستان و

بلوچستان رابطه وجود دارد). را در عدم توسعه صنعتی این استان در نظر گرفته و شاخص‌هایی برای هریک از این چهار فرض مشخص نموده‌ایم. به کمک این پرسشنامه از نظرات تعدادی از مدیران و کارشناسان واحدهای صنعتی بهره مند می‌شویم و در نهایت با توجه به رتبه بندی و تاثیر هریک از شاخص‌های مطرح شده به بیان پیشنهادهای می‌پردازیم. سوالات پرسشنامه در دو بخش سوالات مربوط به ویژگی‌های فردی نمونه و سوالات مربوط به آزمون فرضیات پژوهش تنظیم شده‌اند. سوالات مربوط به ویژگی‌های فردی مخاطب و یا به اصطلاح جمعیت شناسی که تعداد آن ۲ سوال است که به توصیف نمونه‌های آماری انتخاب شده می‌پردازد و سوالات مربوط به فرضیات پژوهش که تعداد آنها ۳۱ سوال می‌باشد به تبیین، تشریح و سپس آزمون فرضیات تحقیق اختصاص دارد. این سوالات براساس طیف لیکرت طراحی شده است. پرسشنامه انتخابی با استفاده از منابع معتبر مربوط به موانع توسعه صنعت فراهم شده است. در این تحقیق سعی گردیده است که ابهام سوالات پرسشنامه حداقل شود، مفاهیم و اصطلاحات تا حد زیادی گویا، روشن و روان باشد. با توجه به این اقدامات و تدابیر در نظر گرفته شده می‌توان گفت که پرسشنامه از روایی قابل قبولی برخوردار است. برای سنجش پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن، از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفای کلی توسط نرم افزار SPSS محاسبه گردید که مقدار آن ۹۰/۸ می‌باشد و یک مقدار مطلوب از لحاظ آماری تلقی می‌گردد. در جدول ۱ آلفای تک تک ابعاد و الفای کلی ذکر گردیده است. از این رو تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو بخش انجام شده است. بخش اول آن با استفاده از آمار توصیفی تنظیم گردیده و به توصیف متغیرهای جمعیت‌شناسی مختلف پرداخته و در آن از جدول توزیع فراوانی و نمودارهایی برای بررسی و تحلیل این متغیرها استفاده شده است. بخش دوم تجزیه و تحلیل داده‌ها که بخش اصلی این تحلیل‌ها را در بر می‌گیرد، به آزمون فرضیه‌های تحقیق اختصاص دارد.

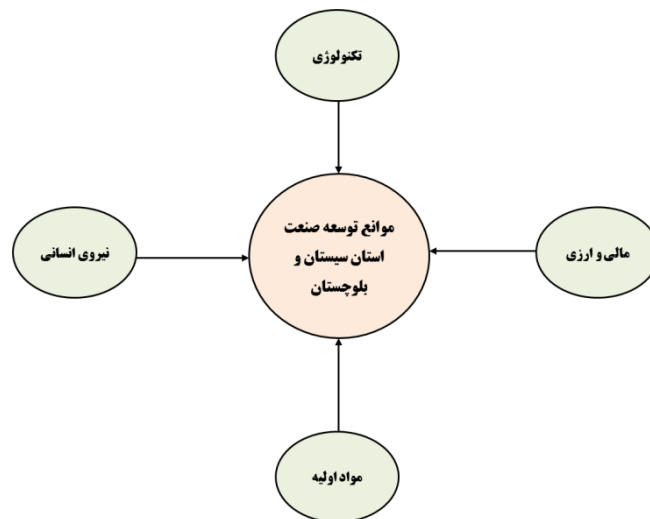
جدول ۱- ضرایب الفای ابعاد و آلفای کل

| مفهوم | ابعاد | ضریب آلفا | آلفای کلی |
|--|--------------|-----------|-----------|
| موانع توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان | مالی و ارزی | ۸۷/۱ | ۹۰/۸ |
| | نیروی انسانی | ۹۰ | |
| | مواد اولیه | ۸۹/۹ | |
| | فناوری | ۹۱/۹ | |

۳-۱- الگوی مفهومی پژوهش

برای بررسی موانع توسعه صنعتی استان سیستان و بلوچستان، موانع را با توجه به نظرات خبرگان و پرسشنامه تکمیل شده و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در چهار بعد کلی قرار داده‌ایم که بصورت شکل ۱ است و جدول ۲ شاخص‌های ابعاد موانع توسعه صنعتی در این استان را نشان می‌دهد.

شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش



جدول ۲: شاخص‌های ابعاد موانع توسعه صنعت

| مفهوم | ابعاد | شاخص‌ها |
|--|--------------|--|
| موانع توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان | ملکی و ارزی | <p>نبود ارز خارجی</p> <p>همراهی نکردن مراکز قوی مالی از جمله بانکها در حمایت از تولیدکننده</p> <p>فرار سرمایه از استان</p> <p>بالا بودن هزینه‌های کارگری</p> <p>بالا بودن سربار تولید در استان</p> <p>کمبود انگیزه برای سرمایه گذاری توسط سرمایه گذار خارجی</p> <p>کمبود امتیازات و مشوق‌های سرمایه گذاری در استان در مقایسه با سایر استانها</p> <p>کمبود معافیت‌های مالیاتی</p> <p>واگذاری تسهیلات به افراد خاص غیر متخصص</p> <p>مشکلات در پرداخت تسهیلات بانکها به صنایع به موقع</p> |
| | نیروی انسانی | <p>نداشتن صلاحیت فنی نیروها</p> <p>کم بودن کرگران با دانش برای رفع نیازهای مختلف تولید</p> <p>کمبود مدیریت مطلوب برای واحدهای صنعتی</p> <p>فرار نیروی کار متخصص از استان</p> <p>ضعف در دسترسی و ارتقاء دانش مدیریت سازمانی</p> <p>وجود مدیریت سنتی</p> <p>آشنا نبودن صاحبان صنایع با فنون برنامه ریزی تولید و کیفیت</p> |
| | مواد اولیه | <p>کمبود مواد اولیه برای واحدهای صنعتی در منطقه</p> <p>نداشتن شناخت کافی از میزان وجود منابع معدنی (مواد اولیه) در استان</p> <p>مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کیفیت</p> <p>مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کمیت</p> <p>اقتصادی نبودن مواد اولیه منطقه نسبت به مواد اولیه وارداتی</p> <p>کمبود مواد اولیه پایدار در منطقه برای تولید دراز مدت</p> <p>نبودن امکان استفاده موادخام در صنعت به عنوان مواد اولیه</p> |
| | فناوری | <p>مشکلات مربوط به ورود ماشین آلات و فناوری</p> <p>عدم امکان تعمیر و نگهداری مناسب برای ماشین آلات</p> <p>ضعف بانک اطلاعات صنعتی در استان در مورد ماشین آلات</p> <p>کمبود ماشین آلات مدرن و پیشرفته</p> <p>کمبود ماشین آلاتی که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است</p> <p>نبود سیستم‌های به‌هنگام‌سازی ماشین آلات در منطقه</p> <p>ضعف حمایت از قطعات مستهلک‌شونده ماشین آلات در منطقه</p> |

۴- یافته‌های پژوهش

نتایج بدست آمده از داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که ۰/۱۹ پاسخ‌دهندگان برنامه‌ریزان و ۰/۸۱ مدیران واحد صنعتی بوده‌اند و از مجموع پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه که به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند ۹۴/۴ درصد مرد و ۵/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. تحصیلات دانشگاهی اگر چه یک پیش‌ضرورت برای موفقیت مدیران نیست اما به نظر می‌رسد که برای رشد در سلسله مراتب واحدهای صنعتی بزرگ و رهبری واحدهای خانوادگی، بهتر است تحصیلات دانشگاهی و آموزش‌های مدیریتی گذرانده شود. تحقیقات این پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۵۸/۱ درصد مدیران واحدهای صنعتی دارای مدرک دانشگاهی لیسانس و بالاتر می‌باشند که در صورت برگزاری دوره‌های آموزشی مدیریتی و صنعتی در استان می‌توان از آن به عنوان یک نقطه قوت استفاده نمود. نتایج حاصل از سوال مربوط به سابقه کار نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از اعضای جامعه آماری سابقه کار آنها تا ۵ سال، ۳۱/۶ درصد سابقه کار ۵ تا ۱۰ سال، ۳۲/۲ درصد سابقه کار ۱۰ تا ۲۰ سال و ۱۱/۲ درصد سابقه کار بالای ۲۰ سال دارند.

در ابتدا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون KS (آزمون کولموگروف - اسمیرنوف) نرمال بودن متغیرها بررسی گردید که حاکی از نرمال بودن متغیرها می‌باشد (جدول ۳). با فرض نرمال بودن جامعه از آزمون فرضیات آماری استفاده می‌شود. آزمون‌های بکار رفته در این رابطه آزمون‌های کای دو و فریدمن می‌باشند و براساس آن فرضیه‌های تحقیق "تایید یا رد" گردیده‌اند. شایان ذکر است که عملیات محاسبه آماره‌های آزمون فرض‌های آماری از طریق نرم افزار SPSS انجام شده است.

جدول ۳: آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

| متغیرها | فناوری | مواد اولیه | مالی و ارزی | نیروی انسانی |
|------------------|--------|------------|-------------|--------------|
| تعداد نمونه | ۱۹۶ | ۱۹۶ | ۱۹۶ | ۱۹۶ |
| معناداری دو طرفه | ۰/۲۲۳ | ۰/۰۷۴ | ۰/۰۵۹ | ۰/۰۶۷ |

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه‌ها

| N | Chi-Square | df | Asymp. Sig | |
|-----|------------|----|------------|---------|
| ۱۹۶ | ۹۴/۲۵۱ | ۹ | ۰۰۰ | فرضیه ۱ |
| ۱۹۶ | ۵۳/۳۴۸ | ۶ | ۰۰۰ | فرضیه ۲ |
| ۱۹۶ | ۳۳/۳۴۶ | ۶ | ۰۰۰ | فرضیه ۳ |
| ۱۹۶ | ۲۵/۴۶۹ | ۶ | ۰۰۰ | فرضیه ۴ |

با توجه به نتایج جداول فوق در رابطه با فرضیه اول، فرض H_0 رد شده و می‌توان گفت به علت وجود قوانین و مقررات بسیار سخت در واگذاری تسهیلات به واحدهای صنعتی و نبود سرمایه گذاری مناسب، اعتبارات مالی

و ارزی، مورد نیاز برای توسعه استان سیستان و بلوچستان وجود ندارد و بین اعتبارات مالی و ارزی و توسعه صنعت استان رابطه منفی وجود دارد.

در رابطه با فرضیه دوم، فرض H^0 رد شده و فرض مقابل H_1 را می‌پذیریم و می‌توان گفت برای توسعه صنعت در استان سیستان و بلوچستان نیروی انسانی متخصص وجود نداشته است و بین نیروی انسانی متخصص و توسعه صنعت استان رابطه منفی وجود دارد.

در رابطه با فرضیه سوم، فرض H^0 رد شده و می‌توان گفت، برای توسعه صنعت در استان سیستان و بلوچستان مشکلات در مورد مواد اولیه وجود داشته است و بین توسعه صنعت و مواد اولیه مورد نیاز رابطه منفی وجود دارد.

در رابطه با فرضیه چهارم، فرض H^0 رد شده و فرض مقابل H_1 را می‌پذیریم. در نهایت می‌توان گفت، فناوری لازم برای توسعه صنعت در استان سیستان و بلوچستان وجود نداشته است. پس رابطه منفی بین فناوری و توسعه صنعت برقرار بوده است.

۴-۱- رتبه شاخص‌های موانع توسعه صنعتی استان

برای اولویت بندی موانع توسعه استان سیستان و بلوچستان از آزمون فریدمن استفاده گردید.

جدول ۵: مقایسه میانگین رتبه‌ها ابعاد چهارگانه موانع توسعه صنعت

| موانع در نظر گرفته شده | میانگین رتبه در کل جامعه آماری | میانگین رتبه در گروه برنامه ریزان صنعتی | میانگین رتبه در گروه مدیران واحدهای صنعتی |
|------------------------|--------------------------------|---|---|
| اعتبارات مالی و ارزی | ۱۷/۲۸ | ۱۸/۴ | ۱۷/۱۷ |
| فناوری | ۱۶/۵۳ | ۱۶/۲ | ۱۶/۵۶ |
| نیروی انسانی | ۱۵/۰۶ | ۱۴/۷۳ | ۱۵/۲۱ |
| مواد اولیه | ۱۴/۵۶ | ۱۳/۶ | ۱۴/۵۴ |

از نظر گروه برنامه‌ریزان اولویت بندی موانع توسعه صنعت به ترتیب اعتبارات مالی و ارزی با میانگین ۱۸/۴ رتبه اول و فناوری لازم با میانگین ۱۶/۲ رتبه دوم و نیروی انسانی متخصص با میانگین ۱۴/۷۳ رتبه سوم و تأمین مواد اولیه با میانگین ۱۴/۷۳ رتبه چهارم را کسب کرده‌اند.

از نظر گروه مدیران اولویت بندی موانع توسعه صنعت به ترتیب اعتبارات مالی و ارزی با میانگین ۱۷/۱۷ رتبه اول و فناوری لازم با میانگین ۱۶/۵۶ رتبه دوم و نیروی انسانی متخصص با میانگین ۱۵/۲۱ رتبه سوم و تأمین مواد اولیه با میانگین ۱۴/۵۴ رتبه چهارم را کسب کرده‌اند.

همانطور که ملاحظه میشود اولویت بندی موانع به ترتیب اعتبارات مالی و ارزی با میانگین ۱۷/۲۸ رتبه اول و فناوری لازم با میانگین ۱۶/۵۳ رتبه دوم و نیروی انسانی متخصص با میانگین ۱۵/۰۶ رتبه سوم و تأمین

مواد اولیه با میانگین ۱۴/۵۶ رتبه چهارم را کسب کرده‌اند. به عبارت دیگر نظر برنامه ریزان و مدیران واحدهای صنعتی در اهمیت موانع توسعه صنعتی مانند هم می‌باشد.

جدول ۶: رتبه‌بندی شاخص‌های بعد مالی و ارزی از ابعاد چهارگانه موانع توسعه صنعت

| رتبه | میانگین رتبه | شاخص | بعد |
|------|--------------|---|-------------|
| ۱ | ۶/۶۶ | همراهی نکردن مراکز قوی مالی از جمله بانکها در حمایت از تولید کننده | مالی و ارزی |
| ۲ | ۶/۰۴ | فرار سرمایه از استان | |
| ۳ | ۵/۹۱ | واگذاری تسهیلات به افراد خاص غیر متخصص | |
| ۴ | ۵/۷۸ | کمبود امتیازات و مشوق‌های سرمایه گذاری در استان در مقایسه با سایر استانها | |
| ۵ | ۵/۲۳ | وجود مشکلات در پرداخت به موقع تسهیلات بانکها به صنایع | |
| ۶ | ۵/۰۲ | کمبود انگیزه برای سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران خارجی | |

شاخص همراهی نکردن مراکز قوی مالی از جمله بانکها در حمایت از تولیدکننده از شاخص‌های بعد مالی و ارزی با میانگین رتبه ۶/۶۶ رتبه اول و مهمترین شاخص بعد مالی و ارزی و شاخص کمبود انگیزه برای سرمایه گذاری توسط سرمایه‌گذاران خارجی از شاخص‌های بعد مالی و ارزی با میانگین ۵/۰۲ کم‌اهمیت‌ترین شاخص و در رتبه ششم قرار گرفته است.

جدول ۷: رتبه‌بندی شاخص‌های بعد فناوری از ابعاد چهارگانه موانع توسعه صنعت

| رتبه | میانگین رتبه | شاخص | بعد |
|------|--------------|---|--------|
| ۱ | ۴/۵۷ | مشکلات مربوط به ورود ماشین آلات و فناوری | فناوری |
| ۲ | ۴/۱۴ | کمبود ماشین آلات مدرن و پیشرفته | |
| ۳ | ۳/۹۱ | کمبود ماشین‌آلاتی که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است | |
| ۴ | ۳/۹۰ | ضعف حمایت از قطعات مستهلک‌شونده ماشین‌الات | |
| ۵ | ۳/۸۹ | عدم امکان تعمیر و نگهداری مناسب برای ماشین‌الات | |
| ۶ | ۳/۸۴ | نبود سیستم‌های به هنگام‌سازی ماشین‌الات در منطقه | |
| ۷ | ۳/۷۵ | ضعف حمایت از قطعات مستهلک‌شونده ماشین‌الات در منطقه | |

شاخص مشکلات مربوط به ورود ماشین‌الات و فناوری از شاخص‌های بعد فناوری با میانگین رتبه ۴/۵۷ رتبه اول و مهمترین شاخص بعد فناوری و شاخص ضعف حمایت از قطعات مستهلک‌شونده ماشین‌الات در منطقه از شاخص‌های فناوری با میانگین ۳/۷۵ کم‌اهمیت‌ترین شاخص و در رتبه هفتم قرار گرفته است.

جدول ۸: رتبه بندی شاخص‌های بعد نیروی انسانی متخصص از ابعاد چهارگانه موانع توسعه صنعت

| رتبه | میانگین رتبه | شاخص | بعد |
|------|--------------|---|--------------------|
| ۱ | ۴/۵۷ | فرار نیروی کار متخصص از استان | نیروی انسانی متخصص |
| ۲ | ۴/۱۴ | وجود مدیریت سنتی | |
| ۳ | ۳/۸۹ | کم بودن کارگران با دانش برای رفع نیازهای مختلف تولید | |
| ۴ | ۳/۸۰ | کمبود مدیریت مطلوب برای واحدهای صنعتی | |
| ۵ | ۳/۷۹ | ضعف در دسترسی و ارتقاء دانش مدیریت سازمانی | |
| ۶ | ۳/۷۱ | نداشتن صلاحیت فنی نیروها | |
| ۷ | ۳/۶۶ | آشنا نبودن صاحبان صنایع با فنون برنامه ریزی تولید و کیفیت | |

شاخص فرار نیروی کار متخصص از استان از شاخص‌های بعد نیروی انسانی متخصص با میانگین رتبه ۴/۵۷ رتبه اول و مهمترین شاخص بعد نیروی انسانی متخصص و شاخص آشنا نبودن صاحبان صنایع با فنون برنامه ریزی تولید و کیفیت از شاخص‌های بعد نیروی انسانی متخصص با میانگین ۳/۶۶ کم اهمیت ترین شاخص و در رتبه هفتم قرار گرفته است.

جدول ۹: رتبه بندی شاخص‌های بعد مواد اولیه از ابعاد چهارگانه موانع توسعه صنعت

| رتبه | میانگین رتبه | شاخص | بعد |
|------|--------------|---|------------|
| ۱ | ۴/۵۷ | اقتصادی نبودن مواد اولیه منطقه نسبت به مواد اولیه وارداتی | مواد اولیه |
| ۲ | ۴/۲۴ | کمبود مواد اولیه پایدار در منطقه برای تولید دراز مدت | |
| ۳ | ۴/۰۴ | نبودن امکان استفاده موادخام در صنعت به عنوان مواد اولیه | |
| ۴ | ۳/۹۰ | کمبود مواد اولیه برای واحدهای صنعتی در منطقه | |
| ۵ | ۳/۸۶ | مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کیفیت | |
| ۶ | ۳/۷۸ | نداشتن شناخت کافی از میزان وجود منابع معدنی در استان | |
| ۷ | ۳/۶۰ | مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کمیت | |

شاخص اقتصادی نبودن مواد اولیه منطقه نسبت به مواد اولیه وارداتی با میانگین رتبه ۴/۵۷ رتبه اول و مهمترین شاخص بعد مواد اولیه و شاخص مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کمیت از شاخص‌های بعد مواد اولیه با میانگین ۳/۶۰ کم اهمیت ترین شاخص و در رتبه هفتم قرار گرفته است.

جدول ۱۰: رتبه‌بندی کلی موانع توسعه صنعتی

| رتبه | میانگین رتبه | شاخص‌ها |
|------|--------------|--|
| ۱ | ۲۰/۹۴ | همراهی نکردن مراکز قوی مالی از جمله بانکی در حمایت از تولیدکننده |
| ۲ | ۱۸/۹۹ | مشکلات مربوط به ورود ماشین آلات و فنآوری |
| ۳ | ۱۸/۹۸ | فرار سرمایه از استان |
| ۴ | ۱۸/۵۴ | واگذاری تسهیلات به افراد خاص غیر متخصص |
| ۵ | ۱۸/۴۱ | فرار نیروی کار متخصص از استان |
| ۶ | ۱۸/۱۴ | کمبود امتیازات و مشوق‌های سرمایه‌گذاری در مقایسه با سایر استان |
| ۷ | ۱۷/۵۵ | کمبود انگیزه برای سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذار خارجی |
| ۸ | ۱۷/۲۵ | کمبود ماشین آلات مدرن و پیشرفته |
| ۹ | ۱۶/۹۷ | نبود ارز خارجی |
| ۱۰ | ۱۶/۹۵ | اقتصادی نبودن مواد اولیه منطقه نسبت به مواد اولیه وارداتی |
| ۱۱ | ۱۶/۷۹ | وجود مدیریت سنتی |
| ۱۲ | ۱۶/۵۸ | وجود مشکلات در پرداخت تسهیلات بانکها به صنایع به موقع |
| ۱۳ | ۱۶/۰۹ | ضعف بانک اطلاعات صنعتی در استان در مورد ماشین الات |
| ۱۴ | ۱۶/۰۴ | کمبود ماشین الاتی که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد |
| ۱۵ | ۱۶/۰۰ | عدم امکان تعمیر و نگهداری مناسب برای ماشین آلات |
| ۱۶ | ۱۵/۹۹ | نبود سیستم‌های به هنگام سازی ماشین آلات در منطقه |
| ۱۷ | ۱۵/۹۱ | کمبود معافیت‌های مالیات |
| ۱۸ | ۱۵/۵۲ | کمبود مواد اولیه پایدار در منطقه برای تولید دراز مدت |
| ۱۹ | ۱۵/۳۵ | ضعف حمایت از قطعات مستهلک شونده ماشین الات در منطقه |
| ۲۰ | ۱۴/۷۹ | بالا بودن هزینه‌های کارگری |
| ۲۱ | ۱۴/۶۸ | نبودن امکان استفاده مواد خام در صنعت به عنوان مواد اولیه |
| ۲۲ | ۱۴/۴۷ | بالا بودن سربار تولید در استان |
| ۲۳ | ۱۴/۴۴ | کم بودن کارگران با دانش برای رفع نیازهای مختلف تولید |
| ۲۴ | ۱۴/۲۵ | کمبود مدیریت مطلوب برای واحدها صنعتی |
| ۲۵ | ۱۴/۱۷ | کمبود مواد اولیه برای واحدهای صنعتی در منطقه |

| | | |
|----|-------|---|
| ۲۶ | ۱۴/۱۶ | ضعف دسترسی و ارتقاء دانش مدیریت سازمانی |
| ۲۷ | ۱۴/۰۴ | مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کیفیت |
| ۲۸ | ۱۳/۸۸ | نداشتن صلاحیت فنی نیروها |
| ۲۹ | ۱۳/۶۰ | نداشتن شناخت کافی از میزان وجود منابع معدنی در استان |
| ۳۰ | ۱۳/۵۵ | آشنا نبودن صاحبان صنایع با فنون برنامه ریزی تولید و کیفیت |
| ۳۱ | ۱۲/۹۶ | مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کمیت |

شاخص‌های همراهی نکردن مراکز قوی مالی از جمله بانکی در حمایت از تولید کننده و اقتصادی نبودن مشکلات مربوط به ورود ماشین آلات و فناوری و فرار سرمایه از استان به ترتیب با میانگین‌های ۲۰/۹۴، ۱۸/۹۹ و ۱۸/۹۸ رتبه اول، دوم و سوم و مهمترین شاخص‌های موانع در کل شاخص‌ها به حساب می‌آیند و همچنین شاخص‌های آشنا نبودن صاحبان صنایع با فنون برنامه ریزی تولید و کیفیت و مناسب نبودن مواد اولیه از نظر کمیت با میانگین ۱۳/۵۵ و ۱۲/۹۶ از کم اهمیت ترین شاخص‌های باشند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

چهار فرضیه آماری اصلی تحقیق درباره موانع توسعه صنعتی استان سیستان و بلوچستان در دهه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ مورد آزمون قرار گرفتند ملاحظه شد که هر چهار فرضیه رد شدند. نتایج بدست آمده از داده‌های جمع‌آوری شده و در ارتباط با متغیر جنسیت مدیران واحدهای صنعتی نشان می‌دهد که از مجموع پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه که به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند ۹۴/۴ درصد مرد و ۵/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. تحصیلات دانشگاهی اگر چه یک پیش‌ضرورت برای موفقیت مدیران نیست اما به نظر می‌رسد که برای رشد در سلسله مراتب واحدهای صنعتی بزرگ و رهبری واحدهای خانوادگی، بهتر است تحصیلات دانشگاهی و آموزش‌های مدیریتی گذرانده شود. تحقیقات این پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۵۸/۱ درصد مدیران واحدهای صنعتی دارای مدرک دانشگاهی لیسانس و بالاتر می‌باشند که در صورت برگزاری دوره‌های آموزشی مدیریتی و صنعتی در استان می‌توان از آن به عنوان یک نقطه قوت استفاده نمود. نتایج حاصل از سوال مربوط به سابقه کار نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از اعضای جامعه آماری سابقه کار آنها تا ۵ سال، ۳۱/۶ درصد سابقه کار ۵ تا ۱۰ سال، ۳۲/۲ درصد سابقه کار ۱۰ تا ۲۰ سال و ۱۱/۲ درصد سابقه کار بالای ۲۰ سال دارند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اعتبارات مالی و ارزی در توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان نقشی نداشته است. شاخص‌های مالی و ارزی براساس رتبه و اهمیت شان به ترتیب، همراهی نکردن مراکز قوی مالی از جمله بانکها در حمایت از تولید کننده و فرار سرمایه از استان مهمترین موانع مالی و ارزی می‌باشد و پس از آن واگذاری تسهیلات به افراد خاص غیر متخصص، کمبود امتیازات و مشوق‌های سرمایه گذاری، کمبود انگیزه برای سرمایه گذاری توسط سرمایه گذار خارجی و... قرار دارند در نهایت نتیجه می‌گیریم که برای توسعه صنعت استان باید اعتبارات مالی و ارزی در حمایت از صنعت وجود داشته باشد. مشاهده می‌شود تکنولوژی لازم برای توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان وجود نداشته است. شاخص‌های فناوری

براساس رتبه و اهمیت شان، مشکلات مربوط به ورود ماشین آلات و کمبود ماشین آلات پیشرفته و مدرن از مهمترین شاخص‌های فناوری در عدم توسعه صنعت استان می‌باشد. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که وجود فناوری نوین در توسعه صنعت استان الزامی می‌باشد. از طرفی نیروی انسانی متخصص برای توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان بطور کلی وجود نداشته است. از نظر شاخص‌های مولفه نیروی انسانی متخصص، فرار نیروی کار متخصص از استان، وجود مدیریت سنتی و کم بودن کارگران با دانش برای رفع نیازهای مختلف تولید از مهمترین شاخص‌های نیروی انسانی متخصص براساس رتبه و اهمیت شان مورد توجه قرار گیرند. سرانجام این که مشکلاتی در تأمین مواد اولیه در عدم توسعه صنعت استان سیستان و بلوچستان وجود داشته است. شاخص‌های تأمین مواد اولیه براساس رتبه و اهمیت به ترتیب، اقتصادی نبودن مواد اولیه منطقه نسبت به مواد اولیه وارداتی، کمبود مواد اولیه پایدار در منطقه برای تولید دراز مدت و نبودن امکان استفاده مواد خام در صنعت به عنوان مواد اولیه از مهمترین شاخص‌های تأمین مواد اولیه می‌باشد. در رتبه بندی فرضیات با استفاده از آزمون فریدمن مشاهده شد که موانع مالی و ارزی بالاترین رتبه را داشتند. در مصاحبه‌ها نیز هم مدیران واحدهای صنعتی و هم برنامه ریزان طرح‌های صنعتی بیشترین تأکید را بر موانع مالی و ارزی داشتند. این امر بیانگر اهمیت زیاد و نقش قابل توجه عوامل مالی و ارزی توسعه صنعت دارد. لذا باید مسئولان امر توجه ویژه‌ای به این امر داشته باشد.

۶- پیشنهادات اجرایی و کاربردی

با توجه به نتایجی که از پژوهش به دست آمد و با کمک خبرگان صنعت پیشنهاداتی براساس رتبه‌ای که شاخص‌های موانع توسعه صنعت کسب نموده‌اند ارائه می‌گردد:

- ❖ مراکز قوی مالی باید از صنعت حمایت نمایند.
- ❖ باید مشکلات ورود ماشین آلات مدرن و فناوری پیشرفته به استان مرتفع شود.
- ❖ باید عواملی که باعث خروج سرمایه از استان سیستان و بلوچستان می‌گردد شناسایی گردد. از مهمترین این عوامل می‌توان به امنیت اشاره نمود که با توجه به هم مرز بودن استان با کشورهای همسایه و ورود افراد خود فروخته به دشمنان در منطقه ناامنی ایجاد می‌شود که باید مسئولین راه حلی برای مقابله با آنها پیدا کنند.
- ❖ تسهیلات بانکی به افراد واجد شرایط و کارآفرین در بخش صنعت واگذار گردد و به افرادی اهدا شود که این تسهیلات را در بخش صنعت هزینه کنند نه در بخش‌های غیر مربوط.
- ❖ اهدا نمودن امتیازات و مشوق‌هایی که باعث ایجاد انگیزه در سرمایه گذاران بخش صنعت در استان شود.
- ❖ بسط و توسعه و ایجاد صنایع مادر که به تبع آن، صنایع زیر دستی نیز رشد می‌نماید و انتقال پایدار ایجاد می‌گردد.
- ❖ تأمین منابع مالی مورد نیاز در طول دوران بهره برداری چرا که نایبستی طرحی که به نتیجه نرسیده رها شود.
- ❖ اجرای طرح‌های صنعتی با نظارت، این می‌تواند توسط دستگاه‌های اجرایی صورت پذیرد البته باید به گونه‌ای باشد که از موازی کاری جلوگیری شود.

- ❖ اطمینان دادن از سوی دستگاههای ذیربط به کسانی که قصد دارند طرحی صنعتی را اجرا نمایند. این پیشنهاد به دلیل عدم اطمینانی که افراد به جهت سرمایه گذاری در این استان دارند مطرح شده است.
- ❖ هماهنگ بودن سازمانهای مربوط به ارائه خدمات لازم به واحدهای صنعتی
- ❖ شناسایی کامل ذخایر و منابع استان سیستان و بلوچستان با توجه به عدم وجود اطلاعات کافی در رابطه با منابع و ذخایر موجود در استان.
- ❖ بوجود آوردن انگیزه در ساکنان بومی برای سرمایه گذاری در بخش صنعت استان زیرا با توجه به موقعیت این استان و هم مرزی با کشورهای همسایه مشاغل کاذب زیادی در این استان رایج اند که باعث کاهش انگیزه سرمایه گذاری در بخش صنعت شده است.
- ❖ استفاده نمودن از نیروهای متخصص و تحصیل کرده در بخش صنعت با توجه به وجود مدیریت سنتی.
- ❖ حمایت بیشتر دولت در ارائه خدمات و امتیازات ویژه به مناطقی مانند این استان که از ویژگیهای خاص منطقه‌ای و شرایط آب و هوایی برخوردار می‌باشد.
- ❖ برگزاری نشستها و مجمع‌های کارگران و مدیران و استفاده از تجارت آنها در زمینه‌های مختلف شرایط کار و محیط کاری
- ❖ ارتقاء سطح فرهنگ مدیریت سازمانی در ارتباط با فناوری روز و دست آوردهای جدید فنی، تخصصی، ارتباطات، روانشناسی افراد و محیط کار.
- ❖ ترغیب و تشویق سازمان‌های وابسته به صنایع و معادن (سازمان نوسازی صنایع معدنی، سازمان گسترش و نوسازی، بانک صنعت و معدن) و سایر سازمانهای دولتی به امر سرمایه گذاری در بخش صنعت استان
- ❖ ترغیب و تشویق شرکت سرمایه‌گذاری استان به امر سرمایه‌گذاری در بخش صنعت استان و همچنین رفع نمودن مشکل نقدینگی واحدهای صنعتی
- ❖ اهدای زمین در شهرک‌های صنعتی به صورت رایگان و بدون هزینه‌های آماده سازی و اعطای سند مالکیت و یا ساخت سالنهای تولید توسط شرکت شهرک صنعتی و واگذاری آنها به واحدهای تولید به صورت استیجاری به حداقل اجاره
- ❖ آن قسمت از سود فعالیتهای اقتصادی که صرف سرمایه گذاری صنعتی در این مناطق می‌گردد از پرداخت مالیات معاف باشند.
- ❖ آب و برق مصرفی واحدهای تولیدی این مناطق از نظر شرایط تعرفه با تخفیف محاسبه گردد.
- ❖ جهت مناطق غیر برخوردار تسهیلات ویژه‌ای ارزی برقرار گردد.
- ❖ افزایش پوشش‌های ضمانتی بانکی و بیمه‌ای از کالاهای صادراتی صنعتی این گونه مناطق
- ❖ ارائه کمک‌های دولت در زمینه خدمات فنی، تحقیقاتی، تربیت نیروی کار حرفه‌ای و ترغیب بخش خصوصی به انجام سرمایه گذاری در اینگونه فعالیتهای با هدف گسترش سرمایه گذاری‌های تولیدی

❖ عدم نیاز به وثیقه‌های سنگین برای دریافت تسهیلات

۷- پیشنهادات جهت تحقیقات آتی

- ❖ پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در زمینه شناسایی موانع توسعه به تفکیک تمامی استان‌ها صورت پذیرد و با مقایسه پژوهش‌ها و پیدا کردن موانع مشترک بتوان موانع توسعه کشور را شناسایی کرد.
- ❖ همچنین پیشنهاد می‌شود موانع توسعه توسط محققان در ابعادی بیشتر از ۴ بعد بررسی شده در پژوهش حاضر بررسی و زیر موانع‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرند.

References:

منابع:

۱. احمدوند، عماد. مومنی، فرشاد، (۱۳۹۱). ترویج توسعه صنعتی از طریق سیاست فناوری، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
۲. اشتریان، کیومرث، (۱۳۸۷). رهیافت نهادی در سیاست‌گذاری نوآوری تکنولوژیک، فصلنامه سیاست: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار، ص ۱۷
۳. اوانز، پیتر، ۱۳۸۳. نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه؛ زندیاف، عباس. مخبر، عباس. تهران، انتشارات طرح نو،
۴. پورمحمدی، د. ۱۳۹۰. صنعت گردشگری در خدمت توسعه اقتصاد کشور، در پایگاه اینترنتی
۵. حاتمی نژاد، حسین. ابوبکری، طاهر. احمدی، افسانه. نایب زاده، فرشته. (۱۳۹۰). سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران مطالعه موردی: شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال دوم، شماره ششم، پاییز ۱۳۹۰
۶. حبیبی، مسعود، (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی دولت نهادی و توسعه صنعتی در ایران، دانشجوی مقطع دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۷. رشیدی، لیلا. (۱۳۸۷) ایران و صنعت مشاوره مدیریت. تدبیر، ۱۹۵
۸. متوسلی، محمود، (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی، انتشارات سمت.
۹. نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور. تهران موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف

۱۰. Li Chengzhi, (۲۰۱۳). The Chinese GNSS System development and policy analysis, ۹۵۱۹)
۱۱. Mamoune A, Yassine A, (۲۰۱۱). Creating an inductive model of industrial development with optimized flows for reducing its environmental impacts. Energy Procedia; ۶: ۳۹۶-۴۰۳
۱۲. Tai-An Peter Chen, Tzu-Chien Chang, Wen-Yan Chiau c, Yi-Che Shi (۲۰۱۳). Social economic assessment of coastal area industrial development: An application of input-output model to oyster farming in Taiwan. Ocean & Coastal Management ۷۳ ۱۵۳-۱۵۹
۱۳. Teka, Z. , (۲۰۱۱). Backward Linkages in the Manufacturing Sector in the Oil and Gas Value Chain in Angola. MMCP Discussion Paper ۱۱. The Open University and University of Cape Town, Milton Keynes and Cape Town.